



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۴۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۴

اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

با مرمت غیر اصولی پل قدیم دز فول ماهیت این پل در حال تحریف و نابودی است. / عکس: سجادعلی همتی، باشگاه خبرنگاران جوان



پرنده آبی

میل به رفتن از ایران هر روز بیشتر می‌شود

این روزها پس از سخنان اصغر فرهادی و جملاتی که او در نامه‌اش منتشر کرد و یک ویدئو از سخنان محسن رثانی، اقتصاددان، سبب شده تا بسیاری درباره یک اتفاق یعنی «مهاجرت» بنویسند و بگویند و با قلب و عقل این سؤال را از خود بپرسند.

فرهادی در نامه‌اش نوشته است: «متأسفم که تلاش‌م برای ماندن در ایران، ساخت فیلم در ایران و نمایش آن در ایران، این‌تعبیر را با خود به همراه دارد که او در حال یک بازی دوسویه است. من همواره با تمام وجودم نوشته‌ام و فیلم ساخته‌ام. کسانی که از نزدیک من را می‌شناسند، می‌دانند همیشه عاشق زندگی در میان این مردم و فیلم‌ساختن برای‌شان بوده‌ام، با آنکه امکان کار و زندگی در هر جای دیگر از دنیا و به دور از حاشیه‌ها را نداشته‌ام؛ اما گویی این بار تلاشی گسترده از هر سوی در کار است تا این عشق و امید به سمت دلسردی برود».

رثانی تأکید می‌کند تمام شیوه‌ها برای مهاجرت نخبه‌ها انجام می‌شود؛ البته دراین‌میان بحث‌های زیادی درباره کلمه «نخبه» و اینکه چه کسی دارای این خصوصیات است مطرح شد؛ اما اکثرا معتقد بودند نباید فرقی باشد بین نخبه یا هر ایرانی دیگری، همه باید آن‌چنان امنیت و آسایشی در کشور خود حس کنند که دور «مهاجرت» را خط بکشند و برای ایران بمانند. دراین‌میان محمدرضا جلالی‌پور نیز در مقاله‌ای که این هم واکنش برانگیز بود، به علل و واقعیت‌های «مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران» پرداخت.

او در این مقاله که در وب‌سایت خود منتشر کرده بود، بر یک نکته تأکید کرد که «تصور عمومی از میزان و علل آن متأسفانه با داده‌ها و مطالعات معتبر فاصله دارد». او در مقاله‌اش چند سؤال را مطرح کرد؛ ازجمله اینکه «وضعیت کنونی ایران در جهان چگونه است؟» و توضیح داد: «واقعیت این است که میزان و وضعیت مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران به‌هیچ‌عنوان مطلوب نیست؛ اما به وخامتی که عموما تصور می‌شود، هم نیست. به تعبیر دیگر، وضعیت ایران در مهاجرفرستی در جهان متوسط است.

مرور چند داده معتبر تصویر واقعی‌تری به ما می‌دهد: براساس آخرین داده‌های انستیتوی آمار

یونسکو، UNHCR، سازمان بین‌المللی مهاجرت، بخش امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، پیمایش جهانی گالوپ، داده‌های سرشماری و نیز پیمایش‌های روشمند رصدخانه مهاجرت ایران؛ رتبه مهاجرفرستی ایران ۵۴ (از میان ۱۳۲ کشور جهان)، رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه مهاجرت ۷۷ (از میان ۱۵۲ کشور)، رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه جذب استعدادها ۷۸ (از میان ۱۵۲ کشور) و رتبه دانشجویفرستی ایران ۱۹ (از میان ۲۴۱ کشور) است.

به طور میانگین ۳.۶ درصد جمعیت جهان مهاجرت و میانگین جمعیت مهاجر نسل اول ایرانی از میانگین جهانی کمتر است (۲.۲ درصد) و حتی نرخ رشد دانشجویان ایرانی در کشورهای دیگر از میانگین جهانی نرخ رشد دانشجویان بین‌المللی هنوز کمتر است و از قضا در سال‌های اخیر به‌خاطر بدترشدن شرایط اقتصادی، افزایش نرخ دلار، دشوارترشدن کسب ویزا و نیز کرونا کاهش یافته است. براساس بدترین برآوردهای کارشناسانه هم حدود ۳.۸ درصد جمعیت ایران مهاجرت (نزدیک به میانگین جهانی)».

تحلیل بعدی او در این زمینه بود که طبق «تحلیل رصدخانه مهاجرت ایران از آمار دریافتی از اداره گذرنامه در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد ۳۸ درصد دارندگان مدال در المپیادهای دانش‌آموزی، ۲۵ درصد از مشمولان بنیاد نخبگان و ۱۵ درصد از حائزان رتبه‌های یک تا هزار کنکور مقیم خارج از کشور شده‌اند (مهاجرت استعدادهای برتر علمی به دانشگاه‌های برتر جهان پدیده‌ای جهانی است و میانگین جهانی‌اش از میانگین ایران بالاتر نیست). بیشترین تعداد دانشجوی ایرانی به ترتیب به آمریکا، ترکیه، آلمان، ایتالیا و کانادا رفته‌اند. در آمریکا که اولین مقصد دانشجویان ایرانی است، براساس معیار «تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در ۱۰ دانشگاه برتر آمریکا» ایران در میان کشورهای دانشجویفرست در رتبه دهم قرار دارد و کشورهای چین، هند، کره جنوبی، انگلستان، آلمان، فرانسه، ترکیه، استرالیا و عربستان بالاتر از ایران و در رتبه اول تا نهم قرار دارند.

چنان‌که می‌بینید اغلب کشورهایی که بیشتر از ایران به آمریکا دانشجو می‌فرستند، توسعه‌یافته‌تر از ایران‌اند. تنها نیم درصد دانشجویان خروجی از

ایران در دانشگاه‌های برتر آمریکا و جهان مشغول به تحصیل هستند»؛ اما سؤالی که شاید با باور عمومی انطباق بیشتری داشته باشد این بود: «در چه زمینه‌هایی وضعیت ایران در مقایسه با میانگین جهانی بسیار بد است؟». جلالی‌پور چنین تحلیل کرد:

۱) **پناهندگی:** ایران در پناهنده‌فرستی در جهان رتبه ۱۴ و در پناهنده‌پذیری هم رتبه دهم در جهان را دارد.

۲) **نرخ بازگشت متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی به داخل کشور:** آمار دقیق معتبری در دست نیست؛ ولی براساس گزارش رصدخانه مهاجرت همچنان بسیار پایین است (البته از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۱ روند صعودی داشته است). براساس یک مطالعه در دانشگاه استنفورد حدود ۱۱۰ هزار ایرانی نسل اول یا دوم و سوم مهاجران در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های خارج از ایران سابقه کار داشته‌اند که معادل حدود یک‌سوم کل متخصصان دانشگاهی ایرانی است و بازگشت تنها ۱۰ درصد این متخصصان باکیفیت سرمایه‌ای از دست‌دادنی برای توسعه علمی در ایران است.

۳) **افزایش نگران‌کننده و متأخر مهاجرت ورزشکاران دارای مدال، برزشکان** (به‌ویژه بعد از کرونا)، کارآفرینان و فعالان استارت‌آپی (که احتمالا با طرح صیانت تشدید می‌شود) براساس گزارش رصدخانه مهاجرت.

۴) **شاخص «قدرت گذرنامه»:** قدرت گذرنامه ۱۸۳ کشور بیشتر از ایران است.

۵) **شاخص «میل به مهاجرت»:** که در ایران به حدود ۳۰ درصد جمعیت رسیده است (البته همه این ۳۰ درصد عملا به اقدام برای مهاجرت و توانایی عملی مهاجرت نمی‌انجامد؛ ولی نگران‌کننده است؛ چون نشان نارضایتی و حدود دو برابر میانگین جهانی - ۱۵ درصد - است).

و در نهایت این دکترای جامعه‌شناسی چنین تحلیل کرد: «واقعیت این است که با دستور و توصیه نه قیمت لوازم خانگی پایین می‌آید، نه فساد و تبعیض و فقر و نابرابری کاهش می‌یابد، نه میل به مهاجرت کم می‌شود و نه بازگشت مهاجران افزایش می‌یابد. باید عملا زمینه اصلاح این ریشه‌ها و عوامل نهادی و ساختاری افزایشده مهاجرت سرمایه‌های انسانی را فراهم کنیم».

شکوه قاسم‌نیا بعد از دیدن و شنیدن خبر نابهنکام چاپ عکس ۶۰۰ نویسنده روی برنهای اتوبانی در اعتراضی نوشت:

... آن ۵۹۹ نفر را نمی‌دانم اما من به‌عنوان نفر ششصدم و در پایین‌ترین رتبه عاملان زیاسازی شهر، از چاپ عکسم روی برنی در اتوبانی از شهرم، نه خشنودم و نه راضی! کاش تصمیم‌گیرندگان و مجریان فرهنگ‌دوست پروژه زیاسازی شهر قبل از اجرای طرح موردنظر، نظر خود «عاملان زیاسازی» را هم جویا می‌شدند و حداقل اجازه‌ای از «عامله»‌ها و خانواده‌هایشان می‌گرفتند تا در این وانفسای ارائه قوانین جورواجور برای منع چاپ نام و عکس خانم‌ها حتی بعد از واگذاری جسمشان به خاک، اختلاف‌نظری بین اولیای امور دامن زده نشود! خوب است که از این پس حساب هنرپیشگان و بازیگران محترم و عزیز کشورمان و همچنین مؤسسات تبلیغاتی تلاشگر برای معرفی و فروش کالاها، از حساب

زمین سبز

مجلس محترم لطفا ۱۸۰ درجه بچرخد!



اسماعیل کهرم

هفته گذشته هفته پرخبر مجلس برای علاقه‌مندان به حیوانات و دوستداران حقوق حیوانات در ایران بود؛ هفته‌ای که زمزمه‌هایی درباره طرح «صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. این طرح در میان دوستداران حیوانات، فعالان محیط‌زیستی و شهروندان عادی که در خانه‌هایشان از سگ و گربه نگهداری می‌کنند، با نگرانی‌ها و واکنش‌هایی همراه بود. کارزارهایی به راه افتاده تا بلکه این مقامات مسئول را بر سر عقل بیاورد و از این ماجرا دست بکشند. نمی‌دانم این روزها چه اصراری است که حتما از ما صیانت شود و بعد از آن طرح پربحث صیانت از کاربران فضای مجازی حالا قرار است از ما در برابر حیوانات هم صیانت شود. عجب و عجیب! درباره اینکه ضرورت این طرح در این روزگار پرپلا برای مردم ایران چیست که احتمالا بسیاری صحبت خواهند کرد. فارغ از اینکه اکنون و در این روزگار چقدر این مسئله اولویت مردم است، خود این طرح به نظرم احتیاج به یک چرخش ۱۸۰درجه‌ای دارد؛ چراکه این حیوانات هستند که باید در برابر انسان‌ها حقوق‌شان حفظ شود و تلاش شود که زیرپا گذاشته نشود. علامه محمدتقی جعفری که میزان دانش و سواد و دانایی‌اش از صفت «علامه»‌ای که به او دادند معلوم است، در سال‌های جوانی ما در درس‌هایش و به خیلی‌های دیگر که یای منبرش بودند یا از طریق تلویزیون سخنرانی‌هایش را گوش می‌کردند، می‌گفت وقتی شما از یک حیوان نگهداری می‌کنید، سی‌وچند حق را باید برای آن جاندار قائل باشید. عجیب اینکه بسیاری با این درس‌آموزه‌ها و فرهنگ بزرگ شده‌اند و پرورش یافته‌اند و حالا اکاملا در خلاف جهت آن حرکت می‌کنند. به‌جای اینکه ما بباییم و صاحبان حیوانات را کنترل کنیم، باید برای حیوانات حقوقی قائل شویم که بتوانند زندگی سالمی در محیطی امن داشته باشند. حتی اگر بر اصول اسلامی هم بخوایم تکیه کنیم، باید حقوق جانوران را مقدم بدانیم. در این سال‌ها مدام از عشق، محبت و حرکت به‌سوی صلح صحبت شده است. یکی از مصادیق آرامش و سلامت روانی یک جامعه، میزان ارتباط سالم آنها با حیوانات است. مسئله حیوان‌دوستی و محبت‌کردن به آن یک پدیده جهانی است و گروهی که احتمالا مخالفانند گمان می‌کنند یک پدیده غربی یا سبک زندگی وارداتی است. درحالی‌که همین آموزه‌های اسلامی که همه ما با آن بزرگ شده‌ایم، این‌طور ما را عاشق امام علی کرده بودند که ایشان وقتی به در خانه‌شان رسیدند، در نزدند که همسرشان بیدار شود و گوشه دیوار نشستند. گریه‌ای از سرما روی عیای ایشان نشست و ایشان برای اینکه حیوان را بیدار نکنند، عیای خودشان را بردند. حالا مجلس شورای اسلامی می‌خواهد مردمی را که سال‌ها چه در آموزه‌های عرفی و چه در آموزه‌های دینی‌اش به او یاد داده‌اند که باید با حیوانات مهربان بود، در خلاف جهت این آموزه‌ها پیش برد. می‌خواهد از حقوق عامه دربرابر حیوانات دفاع کند؟ عجب و عجیب!



اتفاق



بی‌بی‌سی: در پی تیرنه کامل نوجوانی که در جریان اعتراضات به تبعیض نژادی در کنوشا در ایالت ویسکانسین آمریکا دو نفر را به ضرب گلوله کشته بود، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفت که از رأی دادگاه صعبانی است. رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای از این حکم ابراز ناراحتی کرد، گرچه قبلا گفته بود با رأی هیئت منصفه مخالفت نخواهد کرد.

نیویورک پست: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری جمهوری‌خواه سابق آمریکا، در بیانیه‌ای از میچ مک‌کانل، رهبر اقلیت سنا انتقاد کرد و وی را یک «کلاغ پیر ازکارافتاده» خواند. علت این انتقاد تصویب طرح دو حزبی زیرساخت‌های رئیس‌جمهوری کنونی این کشور به ارزش ۱.۲ تریلیون دلار است. ترامپ مدعی است این طرح هزینه‌های بیشتری برای آمریکا دارد.

واکنش

اعتراض شکوه قاسم‌نیا به انتشار عکسش روی تابلوهای شهری



صاحبان قلم جدا شود. چراکه گمان نمی‌کنم اینها که مثل من برای تصویرکردن اندیشه‌هایشان در «ذهن‌ها»، قلم به دست می‌گیرند، علاقه و تمایل و نیازی به ارائه تصویری از خود در «چشم‌ها» داشته باشند.

کاش برای رسیدن به هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی، به جای صرف این‌همه هزینه به منظور زیباسازی شهر (!) راه‌های مناسب‌تر و مؤثرتری برای «زیباسازی ذهن‌ها» طی می‌شد، که چون صد آید نود نیز با اوست!

هفته نوشت

ناشنیده‌گرفتن صدای دلسوزان و متخصصان



الهام فخاری

وقتی از چیزی به نام ناکارآمدی سخن می‌گوییم، با شکافی ژرف هم سروکار داریم. در وضعیت کنونی ایران که تورم، افزایش افسارگسیخته بهای کالا و خدمات، نابسامانی در راهبردها و درماندگی بخش بزرگی از مردم در اداره‌کردن زندگی روزمره، دارد کشور را به آسیب رسانده، نهادهای رسمی ازجمله قانون‌گذار و مجری در بی طرح‌ها و ایده‌هایی برای ورود بیشتر به حریم خصوصی جامعه و دستکاری‌های آمرانه در فضای شخصی افراد هستند. در چنین وضعیتی این پرسش مطرح می‌شود که آیا نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌راستی جامعه ایرانی را نمایندگی می‌کنند؟ چگونه نمونه‌ای نماینده اکثریت جامعه بیش از آنکه نگران نابسامانی منابع و نابرابری‌ها در مدیریت منابع کشور باشد، سرگرم موضوعی مانند لاچکشت و خرگوش در خانه مردم است؟ چرا صدای متخصصان شنیده نمی‌شود که تولید مثل فرایندی بخش‌نامه‌ای نیست و حتی جانوران هم در صورت تأمین سطحی از امنیت بدنی، روانی و اجتماعی تن به زادآوری می‌دهند. آیا نمی‌خواهیم بپذیریم مسئله جمعیت به‌راستی مسئله‌ای برجسته ولی پیامد چالش امنیت اقتصادی و روانی است؟ چگونه ممکن است نماینده مجلس نتواند یا نخواهد بداند که خط و نشان کشیدن و رودرروی هم قراردادن شهروندان دو استان از یک سرزمین پیش‌درآمدی بر نزاع داخلی است و مسئله در ناکارآمدی در مدیریت منابع؟ آیا جافاندگی از زیست روزمره مردم، نادیده‌گرفتن توان تخصصی کارشناسان، یک‌سویه‌نگری‌ها و فرمایشی تصمیم‌گرفتن درباره وضعیت سرزمینی نشانه‌ها و نمودهای سنجش‌پذیرتر از وضعیت کنونی می‌خواهد تا به خود آییم؟

آیا هنگام آن نرسیده که فیلترهای رنکین را که برداشتی نادرست ولو خرسندکننده پدید آورده، کنار بگذاریم و این واقعیت تلخ و تجربه احساس نابرابری روزمره در زندگی مردم را درست ارزیابی کنیم؟ آیا هنوز گمان بر این است که راه گریزی از پرداختن به مسئله کانونی ایران باشد؟ مسئله کانونی ایران به گمان نویسنده، مسئله ناکارآمدی است که در سبوه‌های گوناگون نشانه‌هایی روشن دارد و باید راست و درست بررسی و درمان شود نه انکار. دستکاری‌های بی‌مطالعه، کوتاه‌نگری‌ها در رویارویی با مسئله‌های پیچیده و چندعاملی و بسته‌ترشدن حلقه برخورداران از فرصت و سرمایه و موقعیت به ناشنیده‌گرفتن صدای بسیاری از متخصصان و دلسوزان و از کار انداختن و کنارگذاشتن کارشناسان انجامیده است. محدودکردن فرصت ابفای نقش و خدمت به گروهی ویژه کم‌کم موجب یک‌سوزنگری و ناتوانی در شناخت واقعیت جامعه می‌شود و از سویی بهره‌مندی انحصاری از فرصت و سرمایه فسادخیز است. بی‌توجهی به کار کارشناسی و ناشنیده‌گرفتن صدای مردم روزبه‌روز بر ژرفا و پهنای شکافی می‌افزاید که خامنان سبوز و ویرانگر است. مسئله ما در ایران مسئله ناکارآمدی در مدیریت امور زندگی روزمره مردم و ناروشتنی در چگونگی بهره‌برداری از منابع سرزمینی است؛ در حالی و در جایی که تاب‌آوری سرزمین چندهزارساله می‌توانست سرمایه و تجربه‌ای ناب فراهم ساخته باشد. ناکارآمدی واژه‌ای است که گاهی برای پس‌راندن رقیب در میان اهل سیاست و در رقابت میان طیف‌های سیاسی به کار برده‌اند؛ ولی همواره نقش ایوان سیاست چنان پررنگ‌یعلاب بوده و نزاع بر سر رسیدن به این ایوان شوربخانه چنان اصل قرار گرفته که گویی در ازدحام جلسات کمتر کسی صدای ترسان فرونشست و تهی‌شدن حفره‌هایی بزرگ را در بستر روده‌های اجتماعی می‌شنود.

مسئله ایران امروز مسئله مرگ و زندگی است. مسئله کارآمدی یا ناکارآمدی.



القدس العربی: جان کاتانازا، رئیس اتحادیه پلیس شیکاگو، روز گذشته از اداره پلیس شیکاگو استعفا داد، او از حضور در جلسه مجازات که آن را نمایش مضحک خواند، سر باز زد و گفت ترجیح می‌دهد این بخش را به دلیل پیگیری پرونده ترک کند. جان کاتانازا، مسلمانان را وحشی‌هایی توصیف کرده بود که همه آنها مستحق گلوله هستند.



کاردین: سازمان ملل از چین تقاضا کرد یک شهروند-خبرنگار را که به خاطر گزارش‌دادن درباره پاسخ این کشور به کووید ۱۹ زندانی شده، آزاد کند. این شهروند-خبرنگار چینی به نام ژانگ ژان که در اعتصاب غذا به سر می‌برد، در پی زیر سؤال بردن نحوه مدیریت مقامات کشورش در قبال شیوع بیماری در شهر ووهان به زندان افتاد.



دیلی‌میل: کیم کارداشیان گفته افتخار می‌کند که بخشی از مأموریت نجات تیم ملی جوانان دختران افغانستان باشد. کارداشیان گفته همه دختران حق دارند آنچه می‌خواهند باشند. آنها شجاع هستند، غم‌انگیز است که مجبور شدند از کشور خود فرار کنند. اما کار ادامه دارد. هنوز در افغانستان زنان ورزشکاری مانده‌اند که جانشان در خطر است.